

## متن فرمایشات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه ارواحناله‌الفداء



بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند آن رحمت و یا آن عزایی که به دست... می گوید نگه دارد، اینها گاهی تعجب می کنند در میان دستهایی است که نیرومند نیست، کما اینکه در مورد به نظرم در مورد محمد حنفیه بود که آمده بودند، می خواستند با اینها مذاکره کنند و مباحثه کنند حتی، کسی را خواستند، امام فرمود عمومی خودشان که همین آقای... آمدند. اول شروع به حرف کردند، آیات قرآن و... بعد صحبت زورآزمایی شد، لباس را درآوردند، لباس زور را، با قهرمان آنها کشتی گرفتند و موفق شدند. و همچنین یک وقتی هم این از آن شعله ای که خداوند این شعله را در اختیار می گذارد. گاهی در اختیار شخصی است، گاهی در اختیار اشخاص است، اشخاصی که بدنشان این لیاقت را نداشته، ولی خودشان دارند. مثل فرض کنید، امر خداوند مثل خود یا اراده خداوند است، همان جوری که در قرآن هم گفته، همه هم می دانیم خداوند وقتی اراده بکند، به یک امری اراده بکند، همان قدری که بفرماید "کن فیکون" بگوید بباش، آن شخص هم گوش می دهد و انجام می شود. ولی خب در مورد خیلی از بزرگانی که حالت ضعف و ناتوانی بدنی داشتند، مثل خود... بنابراین همین قدر که ما شناختیم که محل جمع آوری و حیثیت امر الهی را فهمیدیم، آن امر الهی برای ما معتبر است، حالا چه پهلوان باشد آن شخص و چه آدم ضعیفی باشد ولی در انسانیت و عاطفه انسانی از... بدن باشد یا نباشد اثر خودش را داشته است. منتها گاهی خاک خداوند بر این اثر می خواهد، یعنی به یک شخصی موهبت امر الهی را داده، آن شخص را معتبر می دانستند. به هرجهت امر الهی، منظور این است که در امر الهی، مجاری امر الهی در هر جا که باشد، در هر محلی واقع باشد، آنجا را متبرک می کند و خوب می کند. البته از هر یک از این اشخاص یک آثاری، یک خدماتی گفته شده است، مثلاً وقتی که آن شخصی که نائب خداوند است در میان مردم، وقتی خداوند اثر را می خواهد، به همان شخص اثر می دهد. یک وقت می بینیم که این آثار را می بینیم و در مورد همه می بینیم چنین است، بعد در وسط کار متوجه می شویم که ما همین اثر را برای فرض کنید که عباس بن علی (ع) می خواستیم و نبوده است. عباس این... هر قدرتی و هر خصوصیتی به هر کدام می دهیم مختص خود همان است. و این است که شما نگاه به جثه و بدن نماینده الهی نکنید، این نیرومند است، خداوند به هر جا که بخواند و هر کسی که بخواند... و آن موقعیت را می دهد. هم نیروها در اختیار خداوند است و هم اجسام در اختیار خداوند است. البته توصیه شده است که برای اینکه سعی کنید در آداب و احکام و موقعیت های نماینده الهی دقت می کنید با اعتماد دقت کنید و خودتان را وابسته به او تلقی کنید. نه اینکه... کما اینکه... طبقه ای که آمده بودند با علی (ع) مقابله کنند خود را هم ردیف علی حساب می کردند، جنگ کردند، جنگ می کردند، گاهی مغلوب می شدند، گاهی غالب می شدند، ولی آن قدرت الهی که خداوند در علی (ع) ایجاد کرده بود، داده بود، آن قدرت اندازه اینها نبود، شناخته شده نبود. این را سعی کنید به دلهایتان، دلها پاک باشد، صاف باشد، همه این نیروهای الهی را در هر جا هست و هر جور

هست احساس کنید. برای اینکه این نیروی الهی و امر الهی یک چیز مجسمی نیست که از لحاظ تجسمش ما بخواهیم، از لحاظ فقط دل است، شناخته شدن دل است. الان من در این حالت ضعف کلی که هستم، ولی معذالک امر الهی چنان است [که] همین جا هستم، از هیچ چیز باک ندارم، از هیچ کس ترس ندارم، به همه اجزاء خودم علاقه مند هستم، الان که هر روز صبح می‌آیم با حالت کسالت هم که هست، ظاهراً با آن کسالت می‌توانم بیایم به مجالس. خداوند از آنطرف هم نیرویی به بندگان خودش و به آنهایی که به ایشان موهبتی عطا کرده می‌بخشد. و این است که مجالس فقری هم جنبه ظاهری دارد، خداوند یک نیرویی می‌بخشد به یکی و هم جنبه معنوی دارد. در خیلی از حیوانات حتی دیده می‌شود، زنبور عسل که خیلی هم مورد توجه خداوند است، در جایی نوشته شده است که آن زنبور بزرگتر می‌ایستد و کوچکترها می‌آیند و کسب فیض می‌کنند و می‌روند.

ان شاء الله خداوند به همه ما آن معنویت و کسب، که کسب فیض است داده باشد. این هم معنویت متفاوت است، ما یک معنویت داریم در درجه اعلاء است، یعنی ارتباط مستقیم با خداوند دارد، ما هم به هر جهت باید در مقابل ارتباط مستقیم اگر هر کسی هست احترام بگذاریم و ان شاء الله خداوند به همه ما حالت و معنویت خاصی که شناخت امام باشد بدهد. مثلاً فرض می‌کنیم در اول صدر اسلام بزرگان و صحابه‌ای بودند که خیلی هم مورد توجه پیغمبر بودند و تا آخر عمر هم همین بودند. مثل، مثلاً محمد بن ابی بکر و امثال اینها، این حال معنوی‌شان داشت، ولی آن تصور و آن قدرت معنوی که خداوند میل داشت که در ائمه باشد در آنها نبود، بنابراین از یک طرف معنویت داشتند و از طرف دیگر آن معنویت را بلد نبودند چجوری بکار ببرند. مثل دوران علی (ع) و جانشینان پیغمبر، اما خداوند هم اینها را ارج می‌دهد، گو اینکه ما ارزشی قائل نیستیم برای آنها، ولی خداوند آنها را... این است که ما هم هر وقت نام هریکی از این بزرگان را می‌بریم... و با تجلیل می‌بریم، یعنی هیچ کس از ائمه هم بطور معمول به اینها ناسزا نگفت، نبودند و ما هم حق نداریم به اینها ناسزا فکر کنیم. به اندازه‌ای که قدرت ما بود جلب معنویت می‌کنیم، به اندازه قدرت ما است که اگر نباشد جذب نمی‌شود.

حالا ان شاء الله خداوند ان شاء الله... قدرت بدهد تمام این اوامری که خداوند کرده و جلوه‌هایی که از تجلی خودش نشان داده درک کنیم، بفهمیم و از آنها اثر برداریم. ان شاء الله خداوند به همه ما از این جهت رحم کند و همه ما را قادر به درک و فهم قرار بدهد.

